

[الفاظ مطلق 1](#_Toc106607408)

[مناسبت اطلاق لفظ مطلق بر اسم جنس و نکره به معنای دوم 1](#_Toc106607409)

[استظهار استاد از کلام مرحوم اخوند 1](#_Toc106607410)

[اشکال استاد به کلام مرحوم آخوند 1](#_Toc106607411)

[اطلاق ذاتی و لحاظی 2](#_Toc106607412)

[ثمره بین اطلاق لحاظی و ذاتی 2](#_Toc106607413)

[اختلاف مشهور و سلطان العلما 3](#_Toc106607414)

[اشکال مرحوم ایروانی و مرحوم مشکینی بر مرحوم اخوند 3](#_Toc106607415)

[دفاع استاد از مرحوم آخوند 4](#_Toc106607416)

**موضوع**: بررسی کلمات /الفاظ مطلق /مطلق و مقید

# الفاظ مطلق

## مناسبت اطلاق لفظ مطلق بر اسم جنس و نکره به معنای دوم

بحث در تتمه کلام مرحوم آخوند است. ایشان فرمود: اطلاق لفظ مطلق بر اسم جنس و نکره به معنای دوم صحیح است. نکته آن هم این است: اطلاق علما و اهل فنون به لحاظ معنای لغوی است و این الفاظ را در معانی که دارند به ملاحظه معنای عرفی اطلاق می­کنند و اطلاق به معنای لغوی ازاد از قید است. به طلاق هم که طلاق گفته می­شود به خاطر این است که از بند زوجیت آزاد می­شود. بر خلاف فسخ در معاملات که طلاق گفته نمی­شود با این که در هر دو ملکیت و زوجیت از بین می­رود ولی زوجیت متضمن رقیت و تقیدات است که با طلاق آنها از بین می­روند.

### استظهار استاد از کلام مرحوم اخوند

به نظر ما ظاهر کلام مرحوم آخوند این است که اسم جنس مطلق گفته می­شود به خاطر این است که معنای لغوی اراده شده است و اگر مقصود از مطلق مرسل و شایع باشد، دیگر به معنای لغوی نیست و یک معنای جدیدی است.

### اشکال استاد به کلام مرحوم آخوند

در مهمل صدق مطلق به معنای لغوی و در مرسل هم صدق مطلق به معنای لغوی است. فرقی ندارد که شیاع و ارسال ملحوظ باشد یا نه. در ذهن مرحوم آخوند این بوده که مطلق یعنی رهای از قید حتی ارسال پس به اسم جنس مطلق گفته می­شود چون قید ندارد ولی اگر مطلق به معنای مرسل باشد، اطلاق مطلق یک معنای جدید است در حالی که درست نیست بلکه عرفی است.

### اطلاق ذاتی و لحاظی

مطلق را به دو گونه می­توان معنا کرد:

1. اطلاق ذاتی: بعضی مطلق را به این که نظر به طبیعت باشد در حالی که مرفوضا نسبت به قیود باشد، معنا کرده اند. این اطلاق ذاتی است. اطلاق رفض القیود است نه جمع القیود. یعنی ذاتش قید ندارد.
2. اطلاق لحاظی را به مجرد لحاظ طبیعت در حالی که رفض قید کرده است نیست بلکه طبیعت را شایع و جامع در ضمن همه دیده است. اگر اطلاق را این گونه معنا کردیم که در ابحاث سابقه گاهی اوقات این ادعا را داشتیم که اطلاق جامع دیدن است. در این صورت قیدها را به همراهی ندارد و شیوع دارد.

این که مرحوم آخوند فکر کرده که اگر مطلق را به معنای مرسل بگیریم نمی­توان مطلق به معنای لغوی باشد و باید یک اصطلاح باشد، صحیح نیست بلکه مراد از مرسل یعنی مرسل به حمل شایع است. گفتنی نیست که علما مطلق را بر مقید اطلاق کرده باشند. اگر کسی اطلاق لحاظی را به طبیعت مرسله معنا می­کند از قیود رها است. نکته ای که باعث مطلق شدن است، رهایی از قید است. باز هم به این معنا، لغوی است.

این که ظاهر کلام مرحوم آخوند این است که اگر مطلق به معنای لغوی بگیریم بر اسم جنس اطلاقش صحیح است و اگر مطلق به معنای شایع باشد اطلاق لفظ مطلق به معنای لغوی نخواهد بود، صحیح نیست. علی ای حال، اطلاق لفظ مطلق بر اسم جنس چه مهمل و چه لحاظی باشد به معنای لغوی است.

### ثمره بین اطلاق لحاظی و ذاتی

والامر لیس بمهم. مهم این است که اطلاق گاهی اوقات ذاتی است یعنی ذات قید ندارد و لحاظ اطلاق نشده است. اسم جنس معنایش مطلق است و این معنایی است که قید ندارد. گاهی اوقات اطلاق لحاظی است یعنی قید نداشتن را لحاظ می­کند. فرق آنها از نظر ثمره این است: به نظر ما اطلاق ذاتی قابل احتجاج نیست. اگر لحاظ نکرده است نمی­شود به اطلاق ذاتی تمسک کنیم. مولا می­تواند بگوید من که لحاظ نکردم. اما اگر خصوصیات را لحاظ کرده حالا رفض کرده یا جامع را دیده است، قابل احتجاج است. اگر اطلاق لحاظی نداشته باشد به اطلاق ذاتی نمی­شود تمسک کرد.

در باب توصلی و تعبدی اگر تقیید و اطلاق نسبت به قصد امر محال باشد کسی نمی­تواند بگوید خطاب مولا اطلاق ذاتی دارد پس توصلی است. اگر کسی تقیید به قصد امر را محال دانست و بعد گفت اطلاق هم محال است نمی­تواند به اطلاق ذاتی تمسک کند.

مرحوم خویی می­فرماید: بین اطلاق و تقیید رابطه تضاد وجود دارد و ثالث ندارند. وقتی که تقیید محال باشد اطلاق ضروری است. بله اگر تضاد لا ثالث باشد درست است ولی این اطلاق ذاتی است و قابل تمسک نیست.

بحث اطلاق ذاتی و لحاظی مفید است. حالا لفظ مطلق را به معنای لغوی اطلاق کردند یا به معنای اصطلاحی مهم نیست. واقعیت مهم است. ما دو واقعیت داریم یکی اطلاق ذاتی و دیگری لحاظی. بحث اطلاق و مقید مربوط به لحاظی است و به نظرم مفروغ عنه است که اطلاق ذاتی قابل احتجاج نیست. نمی­دانم چطور شده که مرحوم اصفهانی و خویی و صدر جایز می­دانند؟

## اختلاف مشهور و سلطان العلما

در ادامه مرحوم آخوند متفرع بر این بحث اشاره به اختلاف مشهور (علی ما قیل) و سلطان العلماکرده است. آیا استعمال مطلق در مقید مجاز است یا نه؟ می­گویند: قبل از سلطان العلما می­گفتند مجاز بوده است و بعد از ایشان می­گویند حقیقت است. گفته شده است که منشا مجازیت جزء موضوع له بودن قید شیوع در مطلق و استعمال در غیر ما وضع له بوده است. اما اگر قید شیوع خارج از موضوع له باشد کما این که مرحوم آخوند ادعا می­کرد، مجازیت لازم نمی­آید و مثل عام مخصص می­شود. مثلا اعتق رقبه مومنه، رقبه در صرف المعنی استعمال شده است و گاهی اوقات این صرف المعنی را قید نمی­آورید و مقدمات حکمت یک دال دیگری است شیوع فهمیده می­شود ذات معنا به علاوه شیوع از باب تعدد دال. در مقید هم یک دال دیگری می­اید. پس دیگری مجازیتی لازم نمی­آید کما این که سلطان العلما هم گفته است.

### اشکال مرحوم ایروانی و مرحوم مشکینی بر مرحوم اخوند

مرحوم ایروانی و مرحوم مشکینی اشکال کرده اند: اصلا شیوع و ارسال جزء معنا هم باشد باز هم مجاز نمی­شود و مرحوم آخوند این مطلب را قبول دارد. اگر شیوع و ارسال جزء معنا باشد مثل عام می­شود و در عام مخصص مجازیتی لازم نمی­اید. در اطلاق هم این گونه است.

#### دفاع استاد از مرحوم آخوند

این اشکال خیلی بعید است از مرحوم ایروانی و مرحوم مشکینی. اگر متن کفایه دقت شود می­خواهد نکته فرق بین عام و مطلق اگر شیوع جزء موضوع له باشد را بیان کند. فرق این است: در عام اگر اداتی داشتیم بحث بود که آیا برای شمول مدخول وضع شده اند یا شمول ما ارید من المدخول؟ مرحوم آخوند می­گفت کل برای اعطای شمول به مدخولش بما هو مراد وضع شده است. کل رجل، کل برای اعطای شمول به رجل وضع شده است ولی ما ارید من الرجل. کل می­گوید از مدخول من هر چه اراده شده، همه جا هست. اگر همه اراده شده همه مردها و اگر مرد عالم اراده شده، همه مردهای عالم، نه این که اعطای شمول به مدخول باشد. در نتیجه وجهی ندارد مجازیتی رخ داده باشد. یک مبنا هم این بود که کل وضع برای شمول مدخول وضع شده باشد که ما می­گفتیم مدخول با قید و قیودش. کل می­گوید مدخول من با قیودش شمول دارد. همان طور که کل رجل حقیقت است کل رجل عالم هم حقیقت است زیرا کل استعمال در شمول مدخول با قیودش شده است.

بنا بر این، فرق بین ادات عموم و مطلق واضح است. در مطلق ما یک لفظ داریم اعتق رقبة، شما می­گویید رقبه برای طبیعت مرسله وضع شده است که در صورت تقیید مجازیت رخ می­دهد و دو دال نداریم. یک لفظ و یک معنا داریم. رقبه مرسله. طبیعت مرسله با مومنه سازگاری ندارد. لذ رقبه یک دال است و اگر گفتید برای جنس رقبه وضع شده است تقید به دال دیگری آمده و مجازیتی نیست ولی اگر گفتید رقبه برای طبیعت مرسله وضع شده است ارسال با یک دال آمده است در حالی که با مومنه جمع نمی­شود و لازمه آن مجازیت و تجرید است. در عام یک کل و یک مدخول است ولی در این جا یک دال است. لذا مرحوم آخوند می­گوید معنای مقید را بلفظه استفاده می­کنیم ولی در عام از باب تعدد دال و مدلول استعمال شده است. پس در عام تعدد دال است ولی در مطلق یک دال است.

به هر حال، فرمایش مرحوم آخوند که فرموده است اعتق رقبه مومنه اگر شیوع جزء معنا نباشد حقیقت و الا مجاز است، صحیح است. حق این است که ارسال جزء موضوع له نیست. ما از اسما اجناس و امثال آنها که مطلق می­گویند، مرسله تبادر نمی­کند. این نکته را بیان کردیم. گر چه ما رقبه شایعه را مثلا می­فهمیم ولی تبادر نیست بلکه با تامل است و با التفات به این که مولا در مقام بیان بود و قرینه بر خلاف نیاورد.

مرحوم آخوند مطلق را که معنا کرد گفت مهم این است که ما در الفاظ مطلق و ما یناسب بحث کنیم. ما یناسب از الان شروع می­شود. این کلمه را تامل کنید: اول مرحوم آخوند می­گوید اصولیون الفاظی را به عنوان مطلق مطرح کرده اند و بعد وقتی که به اذا عرفت می­رسد می­گوید اصولیون به دو مورد از آنها اطلاق استعمال می­کنند. سوال این است که بالاخره اصولیون به همه آنها یا به دو تا اطلاق استعمال می­کنند؟